

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و ششم - زمستان ۱۳۹۸

ص ص: ۷۷-۱۰۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۹

## نقش تمایز خود و سبک‌های دلبستگی در پیش بینی صمیمیت زناشویی

یوسف قاسمی<sup>۱</sup>

الهام فتحی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی در پیش بینی صمیمیت زناشویی زوج‌ها متأهل شهر زنجان انجام شد. روش پژوهش همبستگی بود. تمامی زوج‌های متأهل ساکن شهر زنجان در سال ۱۳۹۷ جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. نمونه نهایی شامل ۲۷۸ نفر بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش مقیاس صمیمیت زناشویی باگاروزی (۲۰۰۱)، پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورون (۲۰۰۰) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی دلبستگی هازن و شیور (۱۹۹۵) بودند. تجزیه و تحلیل با استفاده از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام انجام شد. نتایج نشان داد که که یافتگی و ابعاد آن توان پیش بینی صمیمیت زناشویی را ندارند. از بین سبک‌های دلبستگی، فقط سبک دلبستگی اجتنابی توانست صمیمیت زناشویی را پیش بینی کند ( $R^2=0/02$ ). از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در راستای تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درمانی به منظور افزایش صمیمیت زناشویی زوج‌ها استفاده کرد.

**واژگان کلیدی:** تمایز خود، سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی، زوج‌های متأهل

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران

## مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. هرچه از عمر خانواده‌های گسترده می‌گذرد و تبلور خانوادگی هسته‌ای در جامعه بیشتر می‌شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می‌شود. در این میان، صمیمیت زناشویی<sup>۱</sup> یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. صمیمیت زناشویی عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر (احمدزاده، فرامرزی، شمسی، و صمدی، ۱۳۹۱).

صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. اینگونه تعاریف مبتنی بر خویش شدن حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به هم‌سر، به اشتراک گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند (قلی‌زاده، ۱۳۹۵). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (بیرامی، ۱۳۹۶).

بسیاری از روانشناسان و خانواده درمانگران، ویژگی‌های شخصیتی زوجین و چگونگی تجارب کودکی و کیفیت روابط بین اعضای اصلی، را مهمترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت هر ازدواج و ایجاد روابط مبتنی بر صمیمیت در بین زوج‌ها می‌دانند. بانفوذترین این دیدگاه‌ها، نظریه‌های خود متمایز یافتگی بوئن<sup>۲</sup> و سبک‌های دلبستگی بالبی<sup>۳</sup> است. نظریه‌های سبک‌های دلبستگی و خود متمایز یافتگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌دانند. آنها سبک‌های دلبستگی و تمایز خود را به عنوان عوامل پایدار و چندنسلی تلقی کرده و عنوان می‌کنند که چگونه خانواده مبدأ شخص می‌تواند بر روابط زناشویی او اثر بگذارد (کیم و کیم، ۲۰۱۵).

دلبستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین می‌کوشد مجاورت با انگاره دلبستگی<sup>۴</sup> را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه دارد (فالانگان، ۱۹۹۹).

۱. marital intimacy

۲. Bowen's self-differentiation theory

۳. Bowlby's Attachment Styles

۴. attachment figure

رفتار دلبستگی، هنگامی که شخص احساس‌هایی نظیر ترس، غمگینی، و بیماری دارد، فعال می‌شود و فرد را به جستجو یا نزدیک ماندن به شخص آشنا، وادار می‌سازد (زیمرن و بکر استول، ۲۰۰۲). سبک‌های دلبستگی را می‌توان به صورت الگوهای تفکر، احساس و رفتارهای شخصی در رابطه نزدیک با مراقب، شریک عاطفی و دیگر افراد صمیمی تعریف کرد (بوتوناری، رابرت، کلی، کشدان و سیسلا، ۲۰۰۷).

در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید شده که روابط اولیه دوران کودکی، سبک‌های دلبستگی را شکل می‌دهند و بر دیدگاه فرد در مورد خود، دیگران و روش سازمان‌دهی روابط بین فردی، تأثیر می‌گذارند (یارنوز- یابن، ۲۰۱۰).

لی (لی، ۲۰۱۰) سه سبک دلبستگی ایمن<sup>۱</sup>، اجتنابی<sup>۲</sup> و دو سوگرا<sup>۳</sup> را در کودکی توصیف کردند که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به طور کلی، هنگامی که مادر نقش یک مراقب خوب را ایفا کرده و جو حاکمی از اعتماد را در رابطه با کودک خود شکل دهد. کودک احساس امنیت خواهد داشت و می‌تواند حتی دوری‌های موقتی را تحمل کرده و احساس طرد شدگی یا تنها ماندن نداشته باشد. این وضعیت منجر به شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن می‌شود. از طرفی اگر مادر نتواند تناسبی بین مراقبت و ترک برقرار کند، این وضعیت منجر به شکل‌گیری سبک‌های اجتنابی یا دو سوگرا خواهد شد که در الگوی اول، کودک مراقبت ناچیز دریافت کرده و احساس امنیت در او شکل نگرفته است و در الگوی دوم، کودک مراقبت را به شیوه‌ای نامطمئن و متعارض و همراه با نگرانی از ترک، دریافت کرده است (بالبی، ۱۹۸۰).

افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، به دریافت حمایت از سوی دیگران تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خود را از لحاظ هیجانی سرد و دارای سوء ظن تلقی می‌کنند آنها اعتماد و اتکا به دیگران را برای خود مشکل می‌یابند و هنگامی که دیگران خیلی با آنها صمیمی شوند احساس نگرانی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دو سوگرا، خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب دیگران درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند در نظر می‌گیرند و از این امر که دیگران آنها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند (مارکوس، ۲۰۰۳).

نتایج پژوهش‌های مطالعات تیموری آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱)، خادوما، گوردون و بولدن (۲۰۱۵) و نتایج پژوهش تریمبلی و همکاران، نیز حاکی از آن است که دلبستگی می‌تواند صمیمیت زناشویی را پیش بینی کند.

۱. secure

۲. avoidant

۳. ambivalence

از متغیرهای دیگری که بر صمیمیت زناشویی مؤثر است، می توان به تمایز خود<sup>۱</sup> اشاره کرد. مفهوم تمایز خود از مفاهیم اساسی نظریه بوئن است که به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و در عین حال استقلال از دیگران اشاره دارد (ویردن، پترز، بری، باروکلوف و لیورسیج، ۲۰۰۸) به عبارت دیگر خود متمایز یافتگی به توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی خویش از دیگران اشاره دارد (کلیور، ۲۰۰۹). بر طبق نظریه سیستمی بوئن، خود متمایز یافتگی در سطوح درون فردی، به توانایی تشخیص و جدا کردن فرایندهای احساسی از فرایندهای عقلانی اطلاق می گردد و توانایی انتخاب کردن اینکه کدام یک از این دو در یک موقعیت خاص اولویت داشته باشند. در سطوح بین فردی تمایز یافتگی به توانایی فرد برای تجربه خود مختاری از دیگران در عین صمیمیت با آنها اشاره دارد (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳).

افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می توانند جهت خویش رادر زندگی انتخاب کنند و در موقعیت های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیر ارادی و گرفتن تصمیمات آسیب زا می شود، کنترل خود را از دست ندهند و با گرفتن عقل و منطق تصمیم گیری کنند این افراد به هیجانان خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد توانایی رشد خود مستقل<sup>۲</sup> را در روابط صمیمی دارند و می توانند در روابط بین فردی، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند. از سوی دیگر افرادی که دارای سطوح پایینی از تمایز یافتگی هستند، به خاطر کسب رضایت دیگران رفتار و عقاید خود را تغییر می دهند و هیجانان و تأثیر پذیری از محیط در آنها غالب است و اضطراب مزمن بالایی را تجربه می کنند و آن را در روابطشان نیز سرریز می کنند (بلیر، نلسون و کلن، ۲۰۰۱).

افراد کمتر تمایز یافته، بیشتر انرژی شان را متوجه تجربه کردن و شدت بخشیدن به احساساتشان می سازند. آنها در یک دنیای عاطفی به دام افتاده اند و در روابط نزدیکشان بیش از اندازه درگیر یا آمیخته با دیگران هستند و به جای مطرح کردن ارزش ها و عقاید حقیقی خویش «خود کاذب<sup>۳</sup>» خویش را بروز می دهند (جهانبخشی و کلانتر کوشه، ۱۳۹۱).

صمیمیت یک نیاز اساسی انسانی است و به عنوان یک فرآیند مهم در توسعه روابط دو ستانه شناخته شده است. با توجه به اهمیت این سازه در روابط زناشویی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تمایز خود و سبک های دلبستگی در پیش بینی صمیمیت زناشویی انجام شده و به دنبال پاسخ به این سوال است که تمایز خود و سبک های دلبستگی به چه میزان می توانند صمیمیت زناشویی زوجها را پیش بینی کنند؟

۱. differentiation of self

۲. autonomous self

۳. pseudo self

## روش

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زوج‌های متأهل شهر زنجان تشکیل دادند که در این پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه دبیرستان شمس، شاهد و تیزهو شان ناحیه دو زنجان نمونه‌گیری انجام شد. پس از تخمین تعداد دانش‌آموزان (۱۵۰۰ نفر) نمونه‌گیری توسط فرمول کوکران انجام شد و تعداد نمونه ۳۰۵ نفر مشخص شد. پرسشنامه‌ها در اختیار والدین دانش‌آموزان قرار گرفت. همچنین در راستای رعایت اخلاق پژوهش به والدین گفته شد که هویت ایشان در مورد پرسشنامه محرمانه باقی خواهد ماند. به صورت شفاهی و یا تلفنی توضیحات در خصوص نحوه پر نمودن پرسشنامه به ایشان داده شد. پس از گردآوری پرسشنامه‌های تکمیل شده، پرسشنامه‌های ناقص یا سخ داده شده و همچنین پرسشنامه‌های مخدوش از مطالعه خارج شدند و نهایتاً ۲۷۸ پرسشنامه صحیح پاسخ داده شده گردآوری شد. امتیازات کسب شده از هر پرسشنامه توسط نرم افزار SPSS و آزمون ناپارامتری همبستگی اتا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. کلیه محاسبات استنباطی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شد.

## ابزار

۱- **مقیاس صمیمیت زناشویی باگاروزی:** این مقیاس توسط باگاروزی (۲۰۰۱) ساخته شده و شامل ۴۱ گویه است که صمیمیت را در هشت بعد عاطفی (گویه‌های ۱-۵)، روانشناختی (گویه‌های ۱۰-۱۶)، عقلانی (گویه‌های ۱۱-۱۵)، جنسی (گویه‌های ۱۶-۲۰)، جسمی (گویه‌های ۲۱-۲۵)، معنوی (گویه‌های ۲۶-۳۱)، زیباشناختی (گویه‌های ۳۲-۳۶)، و تفریحی - اجتماعی (گویه‌های ۳۷-۴۱)، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۱۰ درجه‌ای (اصلاً یک نیاز قوی نیست (۱) تا یک نیاز شدیداً قوی (۱۰) است)، تنظیم شده است. در مطالعه خمسه و حسینیان (خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷) در تعیین پایایی پرسشنامه با روش بازآزمون، ضریب آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> را برای صمیمیت عاطفی ۰/۸۹، صمیمیت روان‌شناختی ۰/۸۲، صمیمیت عقلانی ۰/۸۱، صمیمیت جنسی ۰/۹۱، صمیمیت اجتماعی-تفریحی ۰/۵۱، صمیمیت زیباشناختی ۰/۷۶، صمیمیت فیزیکی ۰/۸۰، صمیمیت معنوی ۰/۶۵ و برای صمیمیت کل ۰/۸۲ به دست آمده و افزون بر آن، جهت تعیین روایی آزمون، این پرسشنامه همراه با پرسشنامه صمیمیت زناشویی، هم‌زمان به وسیله ۳۰ زوج پاسخ داده شد که ضریب همبستگی بین نتایج دو آزمون صمیمیت، بیان‌گر همبستگی معنی‌دار ۰/۶۵ است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

۲- **پرسشنامه تمایز یافتگی<sup>۲</sup> (DSI):** این پرسشنامه که توسط اسکورون (۲۰۰۰) ساخته شده است، ابزاری ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و از چهار خرده

۱. Cronbach's Alpha

۲. differentiation of self inventory

مقیاس شامل: «واکنش پذیری عاطفی<sup>۱</sup>»، «جایگاه من<sup>۲</sup>»، «گریز عاطفی<sup>۳</sup>» و «هم آمیختگی عاطفی با دیگران<sup>۴</sup>» تشکیل شده است. هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود (اسکیان و چنگیزی، ۱۳۸۷). روایی<sup>۵</sup> این پرسشنامه مورد تأیید متخصصان بوده و در پژوهش‌های اسکورون (۲۰۰۰) و اسکیان تأیید شده است.

در ایران نیز در پژوهش اسکیان و چنگیزی پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش (جهانبخشی و کلانتر کوشه، ۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۹ و برای خرده مقیاس‌های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۶۱، ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ محاسبه شد.

**۳- پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور:** این پرسشنامه توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده و دارای ۱۵ سوال است که سه سبک دلبستگی ایمن (سوالات ۱-۶)، اجتنابی (سوالات ۷-۱۱) و دو سوگرا (سوالات ۱۲-۱۵)، را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱، مخالفم، ۲، نظری ندارم، ۳، موافقم، ۴، کاملاً موافقم، ۵) می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال بوده است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد (خالق خواه و بابایی منقاری، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۳ محاسبه شد.

### یافته‌ها

۶۸ درصد از مشارکت کنندگان در پژوهش زن و ۳۲ درصد مرد بودند. ۲ درصد دارای تحصیلات در مقطع دیپلم، ۳ درصد کاردانی و ۵۲ درصد کارشناسی، ۴۱ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد دکتری بودند. ۴۶ درصد از مشارکت کنندگان در پژوهش بین ۲۵ الی ۳۰ سال سن داشتند، ۳۴ درصد بین ۳۰ الی ۳۵ سال، ۱۴ درصد بین ۳۵ الی ۴۰ سال، ۴ درصد بین ۴۰ الی ۴۵ سال و ۲ درصد بین ۴۵ الی ۵۰ سال داشتند. مدت ازدواج ۴۴ درصد از بین ۱ الی ۵ سال ۳۲ درصد بین ۵ الی ۱۰ سال، ۱۴ درصد بین ۱۰ الی ۱۰

۱ . emotional Cutoff (EC)

۲ . I-Position (I-P)

۳ . emotional reactivity(ER)

۴ . fusion with Others

۵ . validity

الی ۱۵ سال، ۷ درصد بین ۱۵ الی ۲۰ سال و ۳ درصد بین ۲۰ الی ۲۵ سال بود. ۵۵ درصد از مشارکت کنندگان در پژوهش دارای یک فرزند، ۳۰ درصد دارای دو فرزند، ۵ درصد دارای ۳ فرزند بودند و ۱۰ درصد بیشتر از ۳ فرزند داشتند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
صمیمیت	صمیمیت عاطفی	۲۲/۸۱	۶/۴۶
	صمیمیت روانشناختی	۱۹/۱۶	۵/۰۹
	صمیمیت عقلانی	۲۰/۲۰	۵/۸۲
	صمیمیت جنسی	۲۱/۵۱	۵/۳۲
	صمیمیت جسمی	۲۰/۳۵	۶/۲۳
	صمیمیت معنوی	۲۴/۳۳	۶/۹۰
	صمیمیت زیباشناختی	۲۱/۵۵	۶/۰۵
	صمیمیت اجتماعی-تفریحی	۲۱/۴۱	۶/۰۸
	نمره کلی صمیمیت	۲۱/۴۴	۲/۹۶
	تمایز خود	واکنش پذیری عاطفی	۳۹/۴۸
جایگاه من		۳۸/۵۱	۵
گریز عاطفی		۴۲/۸۳	۵/۵۹
هم آمیختگی عاطفی با دیگران		۴۲/۹۱	۴/۷۹
نمره کلی تمایز یافتگی		۴۱/۴۳	۴/۴۰
سبک‌های دلبستگی	سبک دلبستگی اجتنابی	۱۱/۷۱	۳/۸۲
	سبک دلبستگی ایمن	۱۳/۵۸	۲/۵۱
	سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۱/۷۱	۳/۲۹

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، صمیمیت معنوی و عاطفی در افراد مورد مطالعه در مقایسه با انواع دیگر صمیمیت میانگین بالاتری دارد. شرکت کنندگان در پژوهش در سطح متوسط رو به پایین قرار دارند. تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی شرکت کنندگان در پژوهش در سطح متوسط قرار دارد؛ اگر چه میانگین سبک دلبستگی ایمن، بالاتر از سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا است. قبل از انجام رگرسیون چند متغیر به روش گام به گام، ابتدا پیش فرض‌های نرمال بودن، نبود رابطه همخطی و مستقل بودن بررسی شد. بررسی نرمال بودن داده‌ها نشان داد که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال نیستند، لذا از روش تابع معکوس برای نرمال سازی متغیرها استفاده شد، بنابراین بعد از نرمال سازی آماره کولموگروف-اسمیرنوف حاکی از نرمال بودن متغیرهای پژوهش هستند، زیرا سطح معناداری آن‌ها بالاتر از ۰/۰۵ است (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها

متغیر	مقدار K-S قبل از نرمال سازی	سطح معناداری	مقدار K-S بعد از نرمال سازی	سطح معناداری
سبک های دلبستگی	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۲۰
تمایز یافتگی	۰/۰۵۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۸	۰/۲۰
صمیمیت	۰/۰۲۳	۰/۰۲۲	۰/۰۱۶	۰/۲۰

مقدار اغماض ۱، عامل تورم واریانس، مقدار ویژه ۲ و شاخص وضعیت به ترتیب برابر ۱، ۱، ۰/۰۲۵ و ۸/۸۷ و برای متغیر تمایز یافتگی نیز به ترتیب برابر ۱، ۱، ۰/۰۰۶ و ۱۸/۸۸ بود. این نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهای پیش بین رابطه هم خطی ۳ وجود ندارد و می توان از رگرسیون استفاده کرد. آزمون دوربین - واتسون ۴ برای بررسی مستقل بودن مشاهدات نشان داد که برای سبک‌های دلبستگی، ۲/۰۶ و برای تمایز یافتگی ۲/۱۳ بود که حاکی از مستقل بودن مشاهدات است. بعد از بررسی پیش فرض‌های رگرسیون و برقرار بودن آنها، تحلیل رگرسیون انجام شد که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره گام به گام تمایز یافتگی و ابعاد آن بر صمیمیت زناشویی

شاخص	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
رگرسیون	۶۸۵/۷۲	۴	۱۷۱/۴۳	۰/۳۰	۰/۸۷
باقیمانده	۱۵۴۹۴۱/۷۲	۲۷۳	۵۶۷/۵۵		

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که F مشاهده شده برای تمایز یافتگی و ابعاد آن معنادار نیست ( $P > 0.05$ ). بدین معنی که تمایز یافتگی و ابعاد آن قادر به پیش بینی صمیمیت نیستند.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام سبک‌های دلبستگی بر صمیمیت زناشویی

متغیر پیش بین	F	R	R <sup>2</sup>	B	$\beta$	T	P
---------------	---	---	----------------	---	---------	---	---

۱. tolerance

۲. eigenvalue

۳. collinearity

۴. Durbin-Watson



دلبستگی اجتنابی	۶/۱۴	۰/۱۵	۰/۰۲۲	۰/۰۹۱	-۰/۱۵	۲/۵۴	۰/۰۱۴
-----------------	------	------	-------	-------	-------	------	-------

نتایج جدول ۳ می‌دهد که از بین سبک‌های دلبستگی، فقط سبک دلبستگی اجتنابی توانست صمیمیت زناشویی را پیش بینی کند و  $F$  مشاهده شده برای متغیر مذکور معنادار است ( $P < 0/05$ ). بر این اساس سبک‌های دلبستگی ایمن و دو سوگرا به دلیل نداشتن توان تبیین از معادله رگرسیون حذف شدند. بر اساس نتایج حاصله  $0/022$  واریانس مربوط به صمیمیت زناشویی به وسیله متغیر دلبستگی اجتنابی تبیین می‌شود ( $t = 2/47, \beta = -0/15$ ).

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی در پیش بینی صمیمیت زناشویی انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی صمیمیت زناشویی از روی تمایز یافتگی و ابعاد آن، نشان داد که تمایز یافتگی و ابعاد آن توان پیش بینی صمیمیت زناشویی را ندارند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات تیموری آسیفچی و همکاران (۱۳۹۱) خادوما و همکاران (۲۰۱۵) و نتایج پژوهش تریمبلی و همکاران همخوان نیست و علت این ناهمخوانی را علاوه بر شرایط فرهنگی مکان مورد مطالعه و تفاوت‌های فردی افراد مورد مطالعه، می‌توان بر میزان تمایز یافتگی افراد در مطالعات دانست، بدین معنی که در مطالعه حاضر میزان تمایز یافتگی در سطح متوسط قرار داشته اما در مطالعاتی که اشاره شد، سطح تمایز یافتگی افراد بالا بوده است، از این رو تفاوت در میزان تمایز یافتگی می‌تواند در پیش بینی مهم باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت خود متمایز یافتگی به عنوان یک متغیر شخصیتی، مفهوم‌بندی شده است که روی یک مقیاس فرضی از  $0-100$  قرار می‌گیرد که نمایانگر سطوح مختلف تمایز فرد در دو سطح درون فردی و بین فردی است اشخاصی که در قطب پایین این مقیاس قرار دارند، کسانی هستند که عقل و عاطفه‌شان چنان درهم آمیخته است که زندگیشان تحت اختیار احساسات اطرافیان‌شان قرار دارد. در نتیجه، به سادگی دچار بدکاری می‌شوند (گلدنبرگ، ۱۳۹۳) که یکی از نمودهای این بدکاری می‌تواند صمیمیت در روابط زناشویی باشد. همانطور که در تبیین فرضیه اول نیز بحث شد، عوامل متعددی در بروز صمیمیت زناشویی دخیل است. مثل کیفیت روابط قبل از ازدواج، چگونگی ازدواج، شیوه‌ی ارتباطی، شخصیت زوج‌ها و روش برخورد با مشکلات زناشویی که از عوامل شناخته شده در این زمینه هستند. از طرفی صمیمیت زناشویی نیاز به تلاش زوج‌ها دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی صمیمیت زناشویی از روی تمایز یافتگی و ابعاد آن، نشان داد که از بین سبک‌های دلبستگی، فقط سبک دلبستگی اجتنابی توان پیش بینی صمیمیت زناشویی را دارد و میزان این پیش بینی زیاد نیست ( $R^2 = 0/02$ ). این نتیجه مؤید این مطلب است که سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با سبک ایمن و دو سوگرا، نقش قوی‌تری در پیش

بینی صمیمیت زناشویی دارد، به طوری که توان تبیین صمیمیت زناشویی را داراست، در حالی که سبک ایمن و دوسوگرا این توان را نداشتند. علاوه بر آن نتیجه حاکی از منفی بودن پیش بینی است، بدین معنی که افزایش دلبستگی اجتنابی منجر به کاهش معنی دار صمیمیت زناشویی زوجها خواهد بود. این نتیجه با یافته‌های مطالعه تیموری آسیفچی و همکاران (۱۳۹۱) مشابه و همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلبستگی اجتنابی با الگوهای فعال سازی دیگران در روابط مرتبط است و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیاز به روابط نزدیک ندارند و تمایل به ترس از صمیمیت دارند. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فراز و فرودهای هیجانی بیمناک باشند، اعتماد کردن به دیگران را مشکل می‌یابند و از زیادی نزدیک شدن به دیگران نگرانند (بطلائی، ۱۳۸۷) بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خودشان را به صورت خودبسنده می‌بینند و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند فهمیده شده که این افراد برای سرمایه‌گذاری در روابط رمانتیک شان تردید دارند و بنابراین پایین‌ترین سطح تعهد را دارا هستند، بنابراین این نتیجه حاصله از بررسی فرضیه پنجم دور از انتظار نیست.

با توجه به اینکه گروه مورد مطالعه در پژوهش حاضر را زوج‌های متأهل شهر زنجان تشکیل می‌دهند، تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی و سایر اقشار و گروه‌ها همراه با احتیاط است. نتایج توصیفی مشخص کرد که از بین ابعاد صمیمیت، صمیمیت روان‌شناختی در بین زوجها در مقایسه با سایر ابعاد صمیمیت، ضعیف‌تر است، لذا با توجه به نتیجه حاصله و اهمیت صمیمیت روان‌شناختی در رضایت و خرسندی زناشویی، ارائه راهکار، آموزش و توانمند سازی زوجها در افزایش صمیمیت روان‌شناختی لازم است. نتایج یافته‌های توصیفی حاکی از متوسط بودن میزان تمایز یافتگی، سبک دلبستگی ایمن و صمیمیت زناشویی زوجها مورد مطالعه است. بر این اساس انجام مداخلات آموزشی و درمانی برای بالابردن تمایز یافتگی، سبک دلبستگی ایمن و صمیمیت زناشویی زوجها پیشنهاد می‌گردد. نتایج پژوهش حاکی از نقش مهم سبک دلبستگی اجتنابی در پیش بینی منفی صمیمیت زناشویی در مقایسه با سبک ایمن و دوسوگرا دارد، بر این اساس پیش بینی می‌شود، زوجها در مراحل شروع آشنایی این مسأله را مورد توجه قرار دهند و در دوران نامزدی و عقد و طول دوران ازدواج نسبت به دریافت مداخلات آموزشی و درمانی از سوی مشاوران و روان‌شناسان جهت کاهش سبک دلبستگی اجتنابی اقدام نمایند.

پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های بعدی با حجم نمونه بالاتری انجام شود و تأثیر حجم نمونه با نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، مورد مقایسه قرار بگیرد. اجرای پژوهش مشابه با موضوع پژوهش حاضر در سایر شهرها و استان‌ها و مقایسه نتایج حاصل از آن با نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد. در پژوهش‌های بعدی از متغیرهای میزان تحصیلات، سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شوند. بررسی‌های پیشینه پژوهش نشان داد که در مورد رابطه صمیمیت با نمادهای

دلبستگی پژوهش‌های منتشر شده‌ای وجود ندارد، لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی رابطه صمیمیت با نمادهای دلبستگی مورد تأکید قرار بگیرد.

### منابع

احمدزاده، مریم؛ فرامرزی، سالار؛ شمسی، عبدالحسین و صمدی، مریم. (۱۳۹۱). فراتحلیل بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی. اندیشه و رفتار، ۷(۲۵)، ۳۶-۳۷.

قلی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۵). عشق و صمیمیت در زندگی زناشویی. تهران: نشر کدیور.

بیرامی، رضا. (۱۳۹۶). رضایت و صمیمیت در زوجین. تهران: نشر کدیور.

Kim, K. J., & Kim, Y. H. (2015). The mediating effect of differentiation of self in relation between perceived marital conflict of parents on their marital satisfaction among married men and women. *Journal of Family Relations*, 20(3), 93-112.

Flanagan, C. (1999). *Early socialization: sociability and attachment*. New York, NY: Rutledge.

Zimmermann, P., & Becker-Stoll, F. (2002). Stability of attachment representations in adolescence: The influence of ego-identity status. *Journal of Adolescence*, 25, 107-124.

Bottonari, K. A., Roberts, J. E., Kelly, M. A. R., Kashdan, T. B., & Ciesla, J. A. (2007). A prospective investigation of the import of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behavior Research and Therapy* 45, 179- 188.

Yárnoz-Yaben, S. (2010). Attachment style and adjustment to divorce. *The Spanish Journal of Psychology*, 13, 210-219.

Ly, T, M. (2010). *The relationship Between Adult Attachment Styles, Hostile Attribution bias and Aggression*, MA Dissertation, North Carolina University.

Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss attachment*. New yourk: Basic.

Markus, D. R. (2003). *Addiction, attachment and social support*, PhD dissertation, Chicago school of professional psychology.

تیموری آسیفچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایزسازی. *مجله خانواده پژوهی*، ۳۲، ۴۶۳-۴۴۱.

Khaddouma, A., Gordon, K. C., & Bolden, J. (2015). *Zen and the art of*

Tremblay, M. S., Colley, R. C., Saunders, T. J., Healy, G. N., & Owen, Wearden, A; Peters, I; Berry, K; Barrowclough, Ch; Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences*, 44: 1246-1257.

Klever, Ph. (2009). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital Family Therapy*. 35(3):308-24

Skowron, E. A. & Schmitt T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family therapy*, 29(2), 209-22.

Blair, T. M., Nelson, E. S. & Coleman, P. K. (2001). Deception, power, and self-differentiation in college students' romantic relationships: an exploratory study. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 27(1):57-71

جهانبخشی، زهرا و کلانتر کوشه، سید محمد. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۲)، ۲۵۶-۲۳۴.

Bagarozzi, D.A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A Clinician's Handbook*. London, UK: Brunner-Routledge.

خمسه، اکرم، حسینیان، سیمین. (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف شخصیت در دانشجویان متأهل. مطالعات زنان، ۶(۱)، ۵۲-۳۵.

Skowron, E.A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237

اسکیان، پرستو و چنگیزی، فریبرز. (۱۳۸۷). بررسی رابطه تمایز یافتگی و سبک‌های هویت. چهارمین سمینار سراسری دانشجویان، دانشگاه علم و صنعت. ۲۴-۲۰.

Hazan C, Shaver P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*. 52(3):511-24. doi: 10.1037/0022-3514.52.3.511

گلدنبرگ، ایرونه، و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۳). خانواده درمانی (ترجمه س. نقشبندی، ح. حسین شاهی براواتی، و ا. ارجمند). تهران: نشر روان.

بطالائی، سعیده (۱۳۸۷). تاثیر زوج درمانی مبتنی بر نظریه دلبستگی بر رضایت جنسی و صمیمیت جنسی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.



## **The role of self-differentiation and attachment styles in the prediction of marital intimacy**

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the role of self-differentiation and attachment styles in the prediction of marital intimacy in Zanjan city couples. The research method was correlation. All married couples living in Zanjan city in 2018 formed the statistical population of this study. The final sample consisted of 278 people selected by stepwise cluster sampling. The instruments of the Bagarozzi intimacy scale (2001), self-differentiated R-DSI revised questionnaire, Hazan and Shaver (1995), attachment style questionnaire. Data was analyzed by using p Stepwise multiple regression. The results showed that the outcomes and dimensions of it can not predict marital intimacy. Among attachment styles, only the avoidant attachment style could predict marital intimacy ( $R^2 = 0.02$ ). The findings of this study can be used to develop and implement educational and therapeutic programs in order to increase marital intimacy of couples.

**Key words:** self-differentiation, attachment styles, marital intimacy, married couples